

مشکل بزرگ ترامپ برای توافقی باتهران

چراسیاست خارجی ترامپ با منطق قدرت ناسازگار است؟ چیزهای زیادی وجود دارد که دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، درباره سیاست جهانی درک نمی‌کند که با توجه به اینکه در دومین دوره ریاست جمهوری خود در کاخ سفید است، شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد و یکی از آن‌ها اهمیت نهاد‌های بین‌المللی است.
فارین پالیسی مدعی شد؛ نهاد‌ها یعنی قواعد، و نفرت ترامپ از قواعد، به پیش از ورودش به عرصه سیاست بازمی‌گردد. او مدت‌هاست که هنجارها، قوانین و مقررات را به عنوان مزاحمت‌هایی می‌بیند که گاه مانع از آن می‌شوند که هر چه می‌خواهد را به دست آورد؛ و همین نگرش را وارد سیاست خارجی کرده است.
فرقی نمی‌کند که موضوع گرفتن امتیازات مالی پرسود از دولت‌های خارجی باشد، یا تهدید به تصرف گرینلند و الحاق کانادا، یا فشار بر مهمانان خارجی در دفتر بیضی‌شکل کاخ سفید؛ ترامپ هیچ هنجاری را غیرقابل چالش نمی‌بیند، هیچ توافقی را مقدس نمی‌داند و هیچ نهاد جهانی‌ای را شایسته سرمایه‌گذاری یا دفاع نمی‌بیند

نهاد‌ها و پایداری قدرت

واقع‌گرایی قدرت را مهم‌ترین عامل در سیاست جهانی می‌داند و باور دارد که دولت‌های قدرتمند در هر مقطع زمانی بیشترین تأثیر را بر نهاد‌های غالب دارند. واقع‌گرایان همچنین تأکید دارند که چون در نظام بین‌الملل اقتدار مرکزی برای الزام کشورها به رعایت قوانین وجود ندارد، دولت‌ها می‌توانند قواعد را نادیده بگیرند. اما واقع‌گرایان متفکر و پیچیده‌تری مانند هانس مورگنتا، رابرت گیلیبن، هنری کیسینجر، استیفن کراستر، و حتی جان میرشایمر نیز تصریح کرده‌اند که هیچ نظامی از دولت‌های درهم‌تنیده نمی‌تواند بدون مجموعه‌ای از قواعد به کار خود ادامه دهد و حتی دولت‌های قدرتمند نیز اگر بیش از حد یا به شکلی فاحش، قواعد موجود را زیر پا بگذارند، هزینه خواهند داد. دولت‌ها با دقت به قواعد بین‌المللی توجه می‌کنند چون چاره‌ای جز این ندارند.

سه اشتباه اساسی

با توجه به مزایای اثبات‌شده‌ای که نهاد‌های بین‌المللی فراهم می‌کنند، شاید تصور شود که همه رهبران جهان ارزش آن‌ها را درک می‌کنند. در بیشتر مواقع، بیشتر آن‌ها چنین می‌کنند. بااین حال، رهبران کشورها همچنان ممکن است مرتکب یکی از سه اشتباه اساسی شوند. اولین اشتباه، اغراق در توانایی‌های نهاد‌های بین‌المللی است؛ خطایی که برخی آرمان‌گرایان مرتکب می‌شوند، وقتی فرض می‌کنند که نهاد‌های بین‌المللی به تنهایی قادرند مانع جنگ، آلودگی محیط زیست، رقابت برای کسب قدرت یا نقض حقوق بشر توسط دولت‌ها شوند. دومین خطا درست در نقطه مقابل اولی قرار دارد: رهبران ممکن است مزایای نهاد‌ها را دست‌کم بگیرند و به اشتباه نتیجه بگیرند که بدون آن‌ها وضعیت بهتری خواهند داشت. برای نمونه، اکنون روشن شده است که رأی دهندگان بریتانیایی هنگام رأی به خروج از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶، از مزایای عضویت در این اتحادیه آگاهی کافی نداشتند؛ همان‌طور که ترامپ نیز از ارزش توافقی هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران یا مشارکت نافرجام در پیمان تجاری ترانس-پاسیفیک غافل بود. سومین اشتباه آن است که کشورها هزینه‌های حیثیتی ناشی از نقض مکرر قواعد را دست‌کم بگیرند و بعد‌ها متوجه شوند که اقدامات خودشان باعث شده دیگران دید منفی‌تری نسبت به آن‌ها پیداکنند و به‌روش‌های گوناگون از آن‌ها فاصله بگیرند. امروز باید بیشتر نگران دو اشتباه آخر بود. این خطر وجود ندارد که ترامپ (یا بیشتر خودکامگانی که اوستایششان می‌کند) در توانایی‌های نهاد‌های بین‌المللی مبالغه‌کنند، خط‌مچتمل آن‌ است که آن‌ها ارزش نهادهایی پایدار و خوش‌ساخت را نادیده بگیرند و متوجه نباشند که نقض قواعد ممکن است به‌طور قابل توجهی به اعتبار کشورشان لطمه زده و در بلندمدت، آن را در وضعیتی بدتر قرار دهد. رویکرد ترامپ به مذاکرات تجاری بین‌المللی، هر دو خطای مذکور را به‌خوبی نشان می‌دهد. او مدت‌هاست سازمان تجارت جهانی را نهادهای معیوب می‌داند که به ایالات متحده آسیب می‌زند، اما به جای تلاش برای اصلاحاتی که می‌توانست نگرانی‌های مشروع آمریکا را برطرف کند، آن‌ها را تعریفی برای وادار کردن ده‌ها کشور به مذاکره دو جانبه با آمریکا استفاده کرده است.

عدم پایبندی به توافقات

آنچه اوضاع را بدتر می‌کند این است که رفتار دمدمی، بی‌تصمیمی و غیرقابل اعتماد بودن ذاتی ترامپ باعث می‌شود کشورها تمایلی به ارائه امتیازهای جدی نداشته باشند، چون به درستی به او اعتماد ندارند که به مفاد یک توافق پایبند بماند. ترامپ در سال ۲۰۲۰ اعلام کرد که توافق تجاری دولتش با مکزیک و کانادا «منصفانه‌ترین، متعادل‌ترین و سودمندترین توافق تجاری‌ای است که تاکنون به قانون تبدیل شده. این بهترین توافقی است که تا به حال بسته‌ایم.» اگر این‌گونه بوده، چرا به‌محض آغاز دور دوم ریاست جمهوری‌اش، آن را کنکار گذاشت؟ او تعریفه‌هایی تا ۱۴۵ درصد بر چین اعمال کرد، اما بلافاصله آن را به‌طور موقت تا ۲۰ درصد کاهش داد. در نتیجه، کشورهای عاقل پیشاپیش در حال یافتن شرکای تجاری و سرمایه‌گذاری قابل‌اعتمادتری هستند. همین مشکل اکنون دامن‌گیر تلاش ترامپ برای دستیابی به توافقی جدید با ایران درباره برنامه هسته‌ای اش شده است. پس از آن‌که ترامپ توافقی هسته‌ای دوران اوباما را – با وجود موثر بودن آن – پاره کرد، اکنون جلب اعتماد ایران برای هرگونه تعهد جدید از سوی او بسیار دشوارتر شده است. رهبر ایران این موضوع را در فوریه به‌صراحت اعلام کرد و هشدار داد که هرچند ممکن است دو کشور بتوانند زمینه‌های مشترک کافی برای رسیدن به توافقی جدید پیدا کنند، اما سابقه بی‌ثباتی ایالات متحده در عمل به تعهداتش، این مسیر را دشوار کرده است. نمونه‌ی نهایی از بی‌اعتنایی ترامپ به قواعد سنتی رفتار دیپلماتیک، رفتار بی‌ادبانه‌اش با رهبران جهانی در کاخ سفید است؛ از جمله با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، و اخیراً با سیریل رامافوسا، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی. من معمولاً با جان بولتون هم عقیده نیستم، اما وقتی ترامپ به جای پاسخ محترمانه به رویکرد دوستانه‌ی رامافوسا، به یک سخنرانی سراسر ساختگی درباره‌ی «نسل‌کشی سفیدپوستان» پرداخت، بولتون نیز از کوره در رفت و گفت: اظهارات ترامپ «اصلاً حقیقت نداشت».

دکتر مصطفی اقلیبادر گفت وگو با «آرمان ملی»:

صورت مسأله آسیب‌های اجتماعی را پاک نکنیم

قاتل الهه حسین نژاد محصل جامعه‌ای با آسیب‌های اجتماعی زیاد است

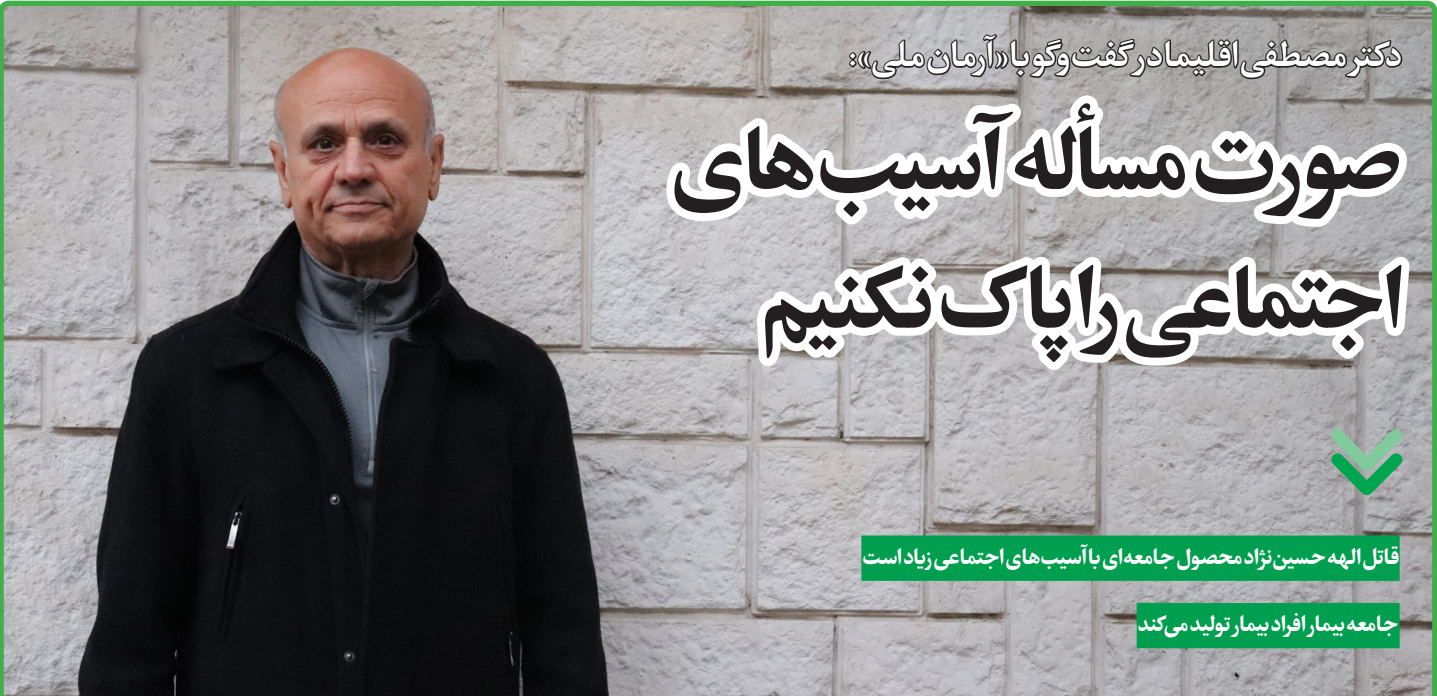
جامعه بیمار افراد بیمار تولید می‌کند

◀ از نظر روانی واجتماعی قاتل الهه حسین نژاد در چه وضعیتی قرار داشته که دست به چنین جنایتی زده است؟

در مرحله نخست باید مشخص کرد که آیا تنها قاتل در جامعه ایران به این مرحله رسیده و یا اینکه افراد دیگری نیز مانند وی وجود دارند؟ هر فردی که متولد می‌شود از ابتدا نه قاتل بوده نه سارق و نه خلاق‌کار. این موقعیت و فضای رشد یک فرد است که وی را به چنین مرحله‌ای می‌رساند. در واقع برای تبدیل شدن یک فرد به یک جنایت‌کار قوانین یک جامعه و باید‌ها و نباید‌هایی که در محیط خانواده و جامعه وجود داشته نیز نقش دارد. اگر در جامعه آسیب‌هاو چالش‌هایی رو به افزایش است باید ریشه‌های آن را پیدا کرد که چرا این عوامل در حال افزایش است و چه پیامدهایی برای افراد مختلف جامعه خواهد داشت. در شرایط کنونی باید به این پرسش پاسخ داد که این نوع طرز فکر را چه کسی در جامعه رواج داده که هر کاری انجام دادی هیچ اتفاقی نخواهد افتاد؟ چرا قاتل نیاز مالی داشته که برای سرقت یک تلفن همراه دست به چنین جنایتی هولناک بزند؟ چه اتفاقی از نظر اقتصادی و اجتماعی رخ داده که یک فرد حاضر شده برای سرقت یک گوشی مرتکب قتل شود؟ جامعه ما از این نوع حالت‌ها و رفتارهای بیمارگونه زیاد شده است. در چنین شرایطی هر اتفاقی ممکن است رخ بدهد. این احتمال نیز وجود دارد که قاتل در یک لحظه به نقطه‌ای رسیده که تصمیم گرفته برای جبران کمبودهایی خود دست به این کار برند. در واقع قاتل الهه حسین نژاد محصول یک جامعه آسیب‌زاست. اگر در جامعه مشاهده شود که ملافلان مدیریافلان فعال اقتصادی شناخته شده، دست به هر تخلفی می‌زند یا وی برخورد نمی‌شود، این احتمال وجود دارد که یک فرد عادی که از زمینه‌های لازم برخوردار است، به این نتیجه می‌رسد که هر جنایتی بکند یا وی برخورد نمی‌شود.

◀ این جنایت با واکنش زنان جامعه مواجه شده و میزان اضطراب و استرس آنها در سطح جامعه افزایش پیدا کرده است. این اتفاق و اتفاقات مشابه چه پیامدهایی اجتماعی وروانی برای زنان خواهد داشت؟

این اتفاق تنها مختص به زنان جامعه نیست در گذشته درباره مردان نیز رخ داده است. نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد مسئولیت پلیس در جامعه است. آ یا پلیس باید همه کسانی که آسیب دیده هستند و از این ظرفیت برخوردار هستند که به دیگران آسیب بزنند را دستگیر کند؟ اگر قرار باشد چنین اتفاقی رخ بدهد باید خیلی از افراد را دستگیر کرد. واقعیت این است که خلاف کردن در جامعه ایران نباید به یک فرهنگ تبدیل شود. ناامنی در جامعه ایجاد می‌شود و خود به خود به وجود نمی‌آید. کسانی نیز ناامنی ایجاد می‌کنند که با متخلفان برخورد لازم را انجام نمی‌دهند. جامعه ما این چنین نبود که قساوت به مرحله‌ای برسد که خودی و غیر خودی و زن و مرد نشناسد. اتفاقاتی در جامعه ما رخ داده و



با متخلفان برخورد لازم را انجام نمی‌دهند. جامعه ما این چنین نبود که قساوت به مرحله‌ای برسد که خودی و غیر خودی و زن و مرد نشناسد. اتفاقاتی در جامعه ما رخ داده و آسیب‌هایی به جامعه وارد شده که جامعه را به این سمت سوق داده است. اینکه قاتل الهه حسین نژاد را دستگیر کردیم به معنای حل مسأله نیست، بلکه پاک کردن صورت مسأله است. هر بار نیز این اتفاق تکرار می‌شود و به جای اینکه مشکل را به صورت ریشه‌ای حل کنیم صورت مسأله را پاک می‌کنیم. نباید نگرانی خانواده‌ها به حدی برسد که هنگامی که فرزند یک خانواده صبح از خانه خارج می‌شود، این نگرانی باشد که آیا شب به خانه باز می‌گردد یا خیر. این وضعیت حتی درباره پسران نیز وجود دارد و یک ناامنی به وجود آمده است. این نوعی بین اعتمادی است که بین افراد جامعه به وجود آمده است.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگورا می‌خوانید.

فرد تنها ۲ سال است و چرا شما عنوان می‌کنید ۲۰ سال. من در پاسخ عنوان می‌کردم فردی که امروز معناد شده از ۲۰ سال قبل یعنی زمانی که به عنوان کودک در خانواده رشد پیدا کرده زمینه‌های اعتیاد در آن به وجود آمده است. در واقع از ۲۰ سال قبل آسیب‌هایی که ممکن است در خانواده و جامعه دیده روی هم انباشته شد و وی را به مرحله‌ای رسانده که در این سن معناد شود. در نتیجه برای ارتکاب چنین جنایتی باید عوامل مختلفی را در نظر گرفت. قبلاً مردم با چنین وضعیتی مواجه نبودند و کسی در خیابان به فرد دیگری و به خصوص زنان آسیب نمی‌رساند. در آن زمان کسی در مقابل دیگران نمی‌گفت که دردی می‌کند. این در حالی است که امروز برخی به شهامت عنوان می‌کنند ما زده هستیم. در همه دنیا هنگامی که مشخص می‌شود میزان جرم و جنایت در حال افزایش است عنوان می‌شود که سیستم تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف اجتماعی... ایراد دارد و به دنبال رفع این ایراد‌ها می‌گردند. این در حالی است که در جامعه ما چنین وضعیتی وجود ندارد.

◀ نکته‌ای که در این حادثه تلخ وجود داشت پیداشدن قاتل و جنازه الهه حسین نژاد پس از ۱۰ روز بود. چرا در حالی که پلیس از تجهیزات فنی پیشرفته برخوردار است مشخص شدن سرنوشت الهه حسین نژاد تا به این اندازه زمان برد؟

من معتقدم امکانات و تجهیزات پلیس ماقابل قبول است. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد رویکرد پیشگیرانه پلیس برای عدم تکرار چنین اتفاقات ناگواری است. امروز پلیس به تجهیزات خود برنامه داده که اگر فلان مسأله اتفاق بیفتد پیامک ارسال شود. در حالی که لازم است پلیس تجهیزات خود را برای دزدی و تجاوز کاملاً به‌روز کرده و کارآمد کند. در ماجرای الهه حسین نژاد فشار افکار عمومی و ابزار نگرانی جمعی نسبت به سرنوشت وی باعث شد که پلیس به صورت ویژه این پرونده را دنبال کند. هنگامی که مشخص شدن نتیجه این پرونده در دنیای امروز تا به این اندازه زمان می‌برد، به نظر می‌رسد که اولویت‌های دیگری وجود داشته و قرار داشت، با توجه به فشار و مطالبه‌گری افکار عمومی جامعه به سرعت در اولویت بالا قرار گرفت و در نهایت به نتیجه رسید. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد، نقش فضای مجازی است. اگر مطبوعات ما می‌توانستند چالش‌های جامعه را به صورت کامل به گوش مدیران برسانند فضای مجازی تا این اندازه مهم نمی‌شد.

در همه دنیا هنگامی که مشخص می‌شود میزان جرم و جنایت در حال افزایش است عنوان می‌شود که سیستم تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف اجتماعی و... ایراد دارد و به دنبال رفع این ایراد‌ها می‌گردند

آسیب‌هایی به جامعه وارد شده که جامعه را به این سمت سوق داده است. اینکه قاتل الهه حسین نژاد را دستگیر کردیم به معنای حل مسأله نیست و بلکه پاک کردن صورت مسأله است. هر بار نیز این اتفاق تکرار می‌شود و به جای اینکه مشکل را به صورت ریشه‌ای حل کنیم صورت مسأله را پاک می‌کنیم. نباید نگرانی خانواده‌ها به حدی برسد که هنگامی که فرزند یک خانواده صبح از خانه خارج می‌شود، این نگرانی باشد که آیا شب به خانه باز می‌گردد یا خیر. این وضعیت حتی درباره پسران نیز وجود دارد و یک ناامنی برای همه به وجود آمده است. این نوعی بین اعتمادی است که بین افراد جامعه به وجود آمده است.

◀ هدف قاتل از حمله به الهه حسین نژاد سرقت تلفن همراه او بوده است. این وضعیت درباره قتل دانشجوی دانشگاه تهران نیز وجود داشت که به خاطر حفظ لپتاپ دانشگاهی خود توسط دو نفر به قتل رسید. با توجه به چالش‌های اقتصادی در جامعه ایران آیا مشکلات اقتصادی زمینه‌های افزایش جنایت را به وجود آورده است؟

برای ارتکاب جنایت آن هم به این هولناکی باید عوامل مختلفی را در نظر گرفت که یکی از آنها اقتصادی است. هنگامی که یک فرد معناد می‌شود و ما به عنوان مددکار اجتماعی در حال ترک آن بودیم ما عنوان می‌کردیم که این فرد ۲۰ سال است که معتاد است. برخی سوال می‌پرسیدند که مدت اعتیاد این

هنگامی که مشخص شدن نتیجه این پرونده در دنیای امروز تا به این اندازه زمان می‌برد، به نظر می‌رسد که اولویت‌های دیگری وجود داشته و در این زمینه تجهیزات لازم و برنامه ریزی نداشته است

حشمتا... فلاحت پیشه:

باید به دیپلمات‌ها فرصت ۶ ماهه بدهیم

تکمله سیاسی بر نظارت‌های فنی است. زیرا طبق پیمان عدم اشاعه هسته‌ای (NPT)، ایران حق غنی‌سازی سوخت را دارد اما آمریکا و بازنگرانی چون اسرائیل مدعی‌اند که نیت ایران مشکوک است. لذا آن اختیارات یا امتیازاتی که به کشورهایمانند آفریقای جنوبی، کره جنوبی، بلژیک و دیگر کشورها داده شده، از ایران منع می‌کنند. برای این موضوع، ایده کنسرسیوم مطرح شده است که ایران با برخی از کشورهای متحد آمریکا در منطقه، تولید سوخت کند و آمریکا هم در این کنسرسیوم حضور داشته باشد. تجربه کنسرسیوم در زمان اجرای برنامه کسرتس خورد، آن زمان نه در تولید سوخت بلکه در بخش‌های دیگر مثل توسعه صنعتی فناوری هسته‌ای یا در آب سنگین اراک قرار شد کنسرسیومی از کشورهای مختلف، از جمله آمریکایی‌ها،

شکل بگیرد ولی هیچ‌گاه به نتیجه نرسید. در سمت دیگر، برخی از کشورهای عربی که قرار است جزو کنسرسیوم باشند، هیچ علاقه‌ای به درگیر کردن خود در موضوع هسته‌ای سیاسی شده در منطقه ندارند و به راحتی برنامه‌های هسته‌ای خود را پیش می‌برند. وی با بیان اینکه ارائه طرح کنسرسیوم تلاشی برای حفظ دیپلماسی است، تصریح کرد: برخی افراد به شدت نگران هستند که آنچه که وجود دارد، فقط دوگانه دیپلماسی و جنگ است.

هر وقت مذاکرات به بن‌بست می‌رسد، سازوکارهایی را پیشنهاد می‌دهند، اما این سازوکارها قابلیت عملیاتی شدن ندارند. من معتقدم که در نهایت، تنها سازوکاری موفق خواهد بود که در قالب NPT شکل بگیرد. یعنی اگر قرار باشد فقط موضوع هسته‌ای به توافق تبدیل شود، تنها سازوکاری موفق خواهد بود

یادداشت

انتخابات تناسی زیر ذره بین

ادامه از صفحه یک

...قرعه منتخب ویامنتخبین باقی مانده به فهرست یا فهرست‌های

برنده قرعه اختصاص داده می‌شود.

نامزدهای ذینفع عضو فهرست‌ها و یا نمایندگان آنها می‌توانند در مراسم قرعه‌کشی باشند. تبصره ۳- در صورت فوت، استعفا یا به هر دلیل دیگری اگر تعداد نمایندگان خارج شده از مجلس در طول دوره در حوزه تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس کمتر از پنج نفر باشند، انتخابات میان دوره‌ای در این حوزه مانند سایر حوزه‌ها برگزار، در غیر این صورت انتخابات در این حوزه به روش انتخابات ابتدای دوره برگزار می‌شود.

آنچه که از مصوبه مجلس شورای اسلامی که هم‌اکنون در مرحله مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار دارد و توضیحات طراح اصلی آن بر می‌آید، هدف اصلی بر طرف کردن خلأ اصلی انتخابات که کارکرد حزبی و انتخابات آزاد و هدفمند باشد، نیست.

بلکه عدم تکرار انتخاب درپست لیست و یا فهرست مورد حمایت شخصیت‌های طراز اول مانند خاتمی و هاشمی رفسنجانی بود، تکرار نشود و لیست به اصطلاح مقابل اصلاح‌طلبان نیز تا حدودی منتخب داشته باشد.

توجه داشته باشید اگر با توجه به میانگین آرای کسب شده، نسبت از آیین دو لیست ارایه شده دو به یک باشد، ۲۰ کرسی اول تهران به لیست اول و ۱۰ کرسی باقی مانده به لیست دوم می‌رسد.

به این ترتیب ۲۰ نفر از لیست اول یک جریان سیاسی که بیش‌ترین رای را آورده‌اند به مجلس راه می‌یابند و از لیست دوم هم ۱۰ نفر اول راهی بهارستان می‌شوند و دیگر اینطور نیست که هرکس حائز اکثریت آزاد تهران، راهی مجلس شود، بدان معنا که ممکن است از لحاظ عددی یک نفر در لیست اول درده ۲۱ قرار گرفته و آرای بیشتری کسب کرده باشد، اما چون نسبت لیست‌ها بر اساس میانگین آرا، دو به یک است، به مجلس راه نمی‌یابد و نفر اول لیست دوم – حتی با وجود آرای کمتر، منتخب مردم خواهد شد.

اما اشکالات اصلی انتخابات تناسی را می‌توان در موارد پیش‌رو دید. نخست اینکه، اگر به قانون انتخابات دور اول تا سوم مجلس نگاه شود قانون پیشرفته‌ای بوده و با عنایت به جمله تاریخی آیت... شهید بهشتی که فرمود «حزب معبد من است» چنانچه اصلاحات واقعی ادامه می‌یافت قطعا از دوره ششم به بعد ملت شاهد انتخابات با کارکرد حزبی در مجلس و بقیه انتخابات بودند.

اما متأسفانه با هر تغییر قانون انتخابات عرصه رقابت بر انتخاب شوندگان و انتخاب‌کنندگان تنگ‌تر شد و به ویژه با اعمال تفسیر نظارت استصوابی از اصل ۹۹ قانون اساسی کلا انتخابات از شکل ذاتی خود خارج و فاصله‌گرفت و همین تناسی کردن انتخابات نیز ادامه همان روند اما با ظاهری تقریباً موجه است.

دوم، متن مصوبه خیلی مبهم است به خصوص اگر تعیین تکلیف بعضی کرسی‌ها به مرحله دوم برسد. سوم، به دنبال رفع ایراد اصلی انتخابات که نبود کارد حزبی و برگزاری انتخابات آزاد، رقابتی و هدفمند است نیست.

بلکه تقریباً به دنبال سهمیه بندی و جلوگیری از پیروزی قاطع اصلاح‌طلبان با انتلاف مستقلین است. چهارم، احزاب ابزار اعمال دموکراسی و اداره دموکراتیک کشورند و نظام دموکراتیک و وجود احزاب لازم و ملزوم یکدیگرند و تا عیار مردم‌سالاری نظام ارتقا نیابد حزب فراگیر یا نخواهد گرفت.

به یک مثال عینی توجه کنیم: وقتی کاندیداهای اصلی یک حزب صد درصد با نظارت استصوابی در صلاحیت شوند آن حزب توسط کدام کاندیداً در عرصه‌ای به نام انتخابات ورود نموده و رقابت نماید؟ از سوی دیگر در نظام‌های دموکراتیک و با کارکرد حزبی موضوع بررسی صلاحیت کاندید‌ها توسط حاکمیت منتفی است.

لذا به جای اینگونه وصل و پینه‌ها و معطلی خود و ملت از تجربه‌های موفق و فراوان در سطح کشورهای پیشرفته و در راستای آرمان بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی که در فرمایشات قبل و پیروزی پس از انقلاب وجود دارد با اصلاح جدی قانون اساسی توسط مجلس موسساتی با نمایندگان باسواد، آگاه که در یک انتخابات آزاد و با مشارکت اکثریت ملت ایران برگزیده می‌شوند جامه عمل پوشاند.

با عنایت به آیه ۱۰۶ سوره بقره – هر آیه‌ای را که [محتوی حکم یا احکامی است وقتی بر پایه مصلحت یا اقتضای زمان از میان برداریم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا ماندنش را می‌آوریم، آیا دانسته‌ای که خدا بر هر کاری تواناست. لذا چون تغییر مورد اشاره تبدیل به احسن نمی‌شود پس بهتر است تغییر صورت نگیرد.